

ملت گرای، آری، جهان وطنی نه

هم میهنان! پاره ای از عوامل حکومت های تک صدایی که در ناآگاهی و یکسویه تعلیم می بینند از دو ویژگی بزرگ برخوردارند:

یک، هر چه را که روزگاری در ملل جهان مثبت ارزیابی شده و رهبرانی را که تحت هر شرایط به هر علت درست یا نادرست نامبردار شده اند و در میان شماری طرفداران، از وجهه ای برخوردارند یا به خود منسوب کنند یا خود را به آنان بیابیزند و رفیق و همراه آنها نشان دهند، تا شاید چند صباحی بیشتر به اینگونه شیوه های پوپولیستی مردم را با عوام فریبی و استفاده های ابزاری از محبوبیت انسانهای دیگر با نشان دادن شکل مار به فریبند و قلمداد کنند که نامدارانی ولو در تضاد عقیدتی با آنها هم باشند چون ارنستو چه گوارا و یا ... همچون ما می اندیشند و نتیجه بگیرند پس رفتار ما بر حق است و در راستای اثبات این گزاره سراسر اشتباه و دروغ و عوام فریبانه، دست به دروغ پردازیها و لاف و گزافه های بی پایه بزنند تا آنجا که باورها و اعتقادات مبارزانی را که جان خود بر سر آرمانشان نهاده اند را به نوعی به خود نسبت دهند و با ۱۸۰ درجه تغییر بنمایانند.

دوم، دیگر ویژگی استبداد زدگان، "عمل زدگی" و شعار دهی است که در آنان بر خرد گرای پیشی می گیرد طوریکه پیش از آنکه بیاندیشند، دست به حرکات و سخنان بی مایه برای اثبات خود به عنوان کاشف یا مخترع یا میدع و یا پیامبر افکار نوبن که جهانیان را مات و مبهوت کرده است معرفی کنند!؟ همانگونه که بعضی از این بی هنران، نادانانه خلیج فارس را هم خلیج عربی و گاهی هم همنوا با دشمنان میهن خلیج می نامند و بدون هر گونه بازخواستی از کنار مطلب می گذرند کسی هم اینان را بازخواست نمی کند. بدین سان میهن به آزمایشگاه آزمون و خطای اینان تبدیل شده است و تا حرکت بعدی خود و بوجود آوردن سرگرمی دیگری برای طرفدارانشان به انتظار می نشینند، از ویژگی های دیگر این تفکر، برای بقا و رسیدن به هدف هر وسیله ای را به هر قیمتی مجاز می شمارند (حتا دیگرگون جلوه دادن یک عمر مبارزه ی مبارزی را که افکارش ابعاد روشن داشته است) علت تمامی این نامرادیها و اینگونه برخوردها را در ناآگاهی اینگونه افراد باید جستجو کرد.

چند روز پیش همایش بدون مطالعه و بررسی همه جانبه تحت عنوان همایش "چ مثل چمران بزرگداشت مبارزان جهان وطنی" در راستای تخطئه ی رقیبان و به ثبت رسانیدن طرفداران یک جریان با کمک گرفتن از وجهه ی مبارزی چون ارنستو چه گوارا و شبیه سازی چه گوارا و چمران در دانشگاه برگزار می شود و رئیس قوه مجریه کشور هم به چنین همایشی پیام می فرستد بدون آنکه بداند که گردانندگان همایش، شناختی از چه گوارا ندارند و آنچه بیشتر شایان یادآوری است، اینکه برگزار کنندگان همایش نمی دانند چه می گویند و چه می نویسند تا آنجا که همایش را، همایش مبارزان "جهان وطنی" نام گذاری می کنند. اصولاً مبارزانی که به خاطر آنها این همایش را ترتیب داده اند (بدون اینکه در تایید ویا رد اندیشه هایشان سخنی به میان آوریم که در این باره نظرها و حرفها بسیار است) نه فقط جهان وطن نبودند بلکه از نگاه مبارزان راستین، همواره مفهوم ملت از جایگاه ویژه ای برخوردار است و تا آنجا، که در همدردی با ملت های دیگر است که جان بر کف به یاری آنها برای رهائیشان از ستم، استبداد و استعمار شتافتند.

در این گرد همایی که دختر دعوت شده ی چه گوارا سخنانش را به نام مردم کوبا آغاز می کند آیا، جهان وطن است؟ او می خواهد اعلام کند ملت در قاموس مبارزان ارزشمند است و به خاطر آزادی و رهائیش جان می دهند. به همین دلیل اینان برای رهایی ملت های دریند کوشیده اند و یا آنگاه که از ملت سوسیالیست کوبا سخن می گوید. جهان وطن نیست. مبارزان و آزادیخواهان در جهان بی شک در پاره ای از هدفهای خود دارای اشتراکاتی هستند ولی همواره تفاوت های فرهنگی بسیار آشکاری نیز داشته و دارند. آنگاه که کوبانیان به آنگولا می روند برای کمک و یاری رسانی به ملت آنگولا در اثر باور آنها و احساس همدردی آنها با ملت ها در رویارویی با استبدادیان و استعمارگران است که حاضر می شوند از جان خود گذشته پای به میدان کارزار در دیگر ممالک بگذرانند و گرنه کوبایی، کوبایی و آنگولایی، آنگولایی هست و خواهد ماند این امر نه تنها جهان وطنی نیست که عین ملت گرای است. به عکس، آنانکه بی وطن یا جهان وطن هستند، وطنشان در چمدان هایشان است، همان استعمارگران جهان خوار دیروز و امروزند، نه مبارزان ملت های تحت سلطه استعمار و اسیر استبداد که همیشه از ملت های خود الهام می گیرند.

اینگونه افکار و عملکردها در پاره ای از جریان های سیاسی و استفاده های ابزاری از هر چیز و هرکس توجیه کردن وسیله برای رسیدن به هدف را تداعی می کند آنهم با ایده های ساختگی و با ایجاد رابطه به اصطلاح صمیمی با کشورهای آمریکای لاتین و سوء استفاده از محبوبیت کنونی امثال اورتگا و چاوس و فراموش کردن مردم خود. باید این گونه رفتار به سمت گرایش واقعی به عدالت خواهی، رفع تبعیض ها بازگردد. وگرنه یک روز به دنبال

قذافی ، یک روز به دنبال حافظ اسد ، یک روز به دنبال عرفات ، یک روز حواتمه ، یک روز بشاراسد، یک روز فهد ، یک روز بدنبال هنیه ، یک روز هم بدنبال معاون صدام ، امروز بدنبال پوتین و چاوس و خدا داند روز دیگر هم که نوی دیگری آمد به بازار ، همه کهنگان به فراموشی سپرده می شوند . این همان دیپلماسی واکنشی است که بارها گوشزد کرده ایم و عمری آن را دنبال کرده اند و به اینجا رسیده ایم که سرزمین مان مورد تهدید بیگانگان قرار گرفته است .

حزب ملت ایران بر این باور است به جای باج دادن ها و این همه آسمان و ریسمان کردنها و این در و آن در زدنها در آنسوی مرزها بهتر است به راستی، به دنبال سود و صلاح ملت باشند و درصدد رفع مشکلاتشان که روزافزون است و مطمئن باشند که تنها راه کسب حقانیت رفع تبعیض ها و روی آوردن به ملت و مردم سالاری است. چه آنانکه بر دلهای مردم حکومت می کنند نیازی به شبیه کردن خود به هیچ کسی ندارند و از نام دیگران برای خود اعتباری نمی سازند و از هیچ قدرت بیگانه نیز نمی هراسند چون دامن ملت مامن آنهاست پس بهتر است خود باشند و مردمی تا شبیه دیگری ، چه در غیر این صورت بازیگری پیش نخواهند بود .

» پیرو ملت

استقرار مردم سالاری پایندان آزادی و استقلال ملی «

دبیرخانه حزب ملت ایران

تهران ۱۴ مهر ماه ۱۳۸۶ خورشیدی